

بررسی تحولات حقوق جزای فرانسه در قانون اخیر

چکیده:

را به قانون مصوب ژوئیه ۱۹۹۲ داده، و با حفظ بعضی از میانی، تحولاتی در قانون مجازات این کشور، بخصوص در بخش حقوق جزای عمومی ایجاد کرده و با الهام از دیدگاه‌های جرم‌شناسان و روان‌شناسان جنائی و کلاً علمای حقوق جنائی، مطالب نو و بدیعی را مطرح کرده، بیش از پیش از قانون ماقبل کد ناپلئونی (یعنی قانون ۱۷۹۱) فاصله گرفته و در بسیاری از زمینه‌ها، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های عمیقی شده است. نگرش و موضع تحقیق ما، تحولات مذکور و دست‌آوردهای جدید است.

قانون مجازات هر کشور آینه تمام‌نمای ارزش‌های حاکم بر آن جامعه است، در واقع به تعداد ارزش‌های مقبول جامعه اوامر و نواهی برای حفظ حقوق و ارزش‌ها وجود دارد، تحول در قوانین جنائی زائیده دگرگونی‌های جامعه و تغییر ارزش‌ها یا تحول در نگرش‌ها است. در تحول حقوق جزا جریان مستمر حرکت قانونگزاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.* در این تحقیق تحول حقوق جزای فرانسه در قانون جدید را بررسی خواهیم کرد. قانون مجازات ۱۸۱۰ معروف به قانون (کد) ناپلئونی بعد از نزدیک دو قرن جای خود

بررسی تحولات حقوق جزای فرانسه و نوآوریهای قانون مجازات جدید این کشور شاید بتواند برای مطالعات تطبیقی کیفری مفید واقع شود لذا در این مقاله به بررسی تحولات قانون جدید می‌پردازیم.

قانون مجازات جدید فرانسه، به‌موجب چهار قانون در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ به تصویب رسید، قانون پنجمی در ۱۶ دسامبر همان سال از تصویب مجالس قانونگذاری آن کشور گذشت، تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون جدید را تعیین کند، که اول مارس ۱۹۹۳، را بعنوان تاریخ لزوم اجراء آن معین کرد. ولی بعداً به‌موجب لایحه‌ای که به مجلس تقدیم شد، تاریخ مذکور به اول مارس ۱۹۹۴ موکول و جایگزین قانون مجازات عمومی ۱۸۱۰ معروف به ناپلئون شد.

لازم به یادآوری است که اولین قانون فرانسه که بعد از انقلاب ۱۷۸۹ به تصویب مجلس مؤسسان رسید، قانون مجازات عمومی بود که در تاریخ ۱۷۹۱ به تصویب رسید. در واقع قانون ۱۸۱۰ دومین قانون مجازات، و اولین قانون اصلاحی قانون ۱۷۹۱ بود.

پایه‌های فکری و فلسفی قانون ۱۷۹۱ مبتنی بر اندیشه اصالت فرد و حفظ ارزشهای او و حمایت از اشخاص و مالکیت پیریزی شده بود. اولین هدف آن دفاع از شخص انسانی و تمایل به شکوفائی کامل استعدادهای او و دفاع از او در برابر هر نوع تعرض است^(۱) با وجود این، پایه‌های کلاسیک حقوق جزای فرانسه که رسالت‌های سه‌گانه آنست همچنان به‌قوت خود باقی است که عبارتند از:

۱- رسالت سرکوبگر به‌منظور دفاع از

حقوق فرانسه از خانواده حقوق نوشته رومی ژرمنی است که مبدأ تحولات قانونگذاری در کشورهای خاورمیانه شده است، در کشور ما قانونگذاری در اوایل قرن حاضر هجری با الهام از قانون فرانسه آغاز شد و قوانین مجازات عمومی، آئین دادرسی و تجارت عیناً از فرانسه ترجمه و با اندک تغییراتی به‌صورت مجموعه‌های مدون از تصویب مجالس قانونگذاری گذشت. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۲۰۴ تقریباً ترجمه قانون مجازات عمومی ۱۸۱۰ فرانسه بود، در طول ازمینه تغییرات و اصلاحاتی در قانون ۱۸۱۰ اکتبر بعمل آمد، مقنن ایران تحت تأثیر تحولات، در سال ۱۳۵۲ دست به اصلاح قانون مجازات عمومی و آئین دادرسی کیفری یازید.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی اولین قانونی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید قانون مجازات اعم از قانون راجع به مجازات اسلامی، تعزیرات، حدود و قصاص و دیات بود. در تدوین قانون راجع به مجازات اسلامی و تعزیرات شکل و محتوای آن دقیقاً با اصلاحاتی از قانون مجازات عمومی الهام گرفت و در سال ۱۳۷۰ که قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید مواد عمومی آن و مباحث مربوط به حقوق جزای عمومی مانند شروع به جرم و معاونت و کیفیات مخففه و تعلیق مجازات و آزادی مشروط و غیره با اندکی اختلاف از قانون ۱۳۵۲ اقتباس شد و قانونگذار در تصویب بخش دوم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ضمن حفظ شکل طرح مباحث و عناوین سابق، از تجربیات قانونگذار سابق بیشتر استفاده کرده است. بنابراین

شده است و بعد نوبت به حیات انسانها می‌رسد که در درجه دوم تقدم قراردارند.»^(۵)

بهرحال نویسندگان کتاب «بنام نظم» معتقدند که موضوع اساسی قانون مجازات جدید دفاع از اموال و مالکیت و اشخاص نیست، بلکه دفاع از ارزشهای جدید موردنظر جمهوریخواهان و مؤسسات عمومی است.^(۶)

نکته دیگری که باید به آن پرداخت کمیت متون و مواد مربوط به حقوق جزای اختصاصی است که به صورت قوانین متفرقه خارج از قانون جزای ۱۸۱۰ به تصویب رسیده‌اند، که قانون جدید همه آنها را شامل نشده است بلکه غالب آنها را در خود گنجانده است.^(۷) زیرا در طول ۱۸۰ سال عمر قانون مذکور قوانین مختلفی مانند شاخه‌های جدید بر پیکر تنومند آن پیوند زده شده ولی اصل تنه همچنان پابرجا مانده است.^(۸)

بهرحال قانون مجازات جدید در چهار کتاب بشرح زیر تدوین یافته است:

کتاب اول - مواد عمومی.

کتاب دوم - جنحه و جنایت علیه اشخاص که با جنایات علیه بشریت آغاز می‌شود.

کتاب سوم - جنحه و جنایت علیه اموال.

کتاب چهارم - جنحه و جنایت علیه امنیت کشور و آسایش عمومی.

و بالاخره قانون پنجمی بنام انطباق که تاریخ لازم‌الاجراء شدن، قانون جدید را معین کرده است، با تصویب این قانون مقررات حقوق جزای عمومی و آئین دادرسی کیفری عموماً و حقوق جزای اختصاصی خصوصاً دچار تحول شده است.

جامعه مردمی و وضع ضمانت اجرای جزائی که جنبه شخصی کردن مجازاتها را روزه‌روز تقویت می‌کند، که از اصل ثبات مجازاتها که به کار یا به آن اعتقاد داشت فاصله می‌گیرد.

۲- رسالت بیان‌گر: حقوق جزا مبین ارزشهای اساسی جامعه و کلاً نظام ارزشی جامعه در یک زمان معین است که در مجازاتهای که برای موارد نقض آن ارزشها پیش‌بینی شده خلاصه می‌شود.

۳- رسالت تربیتی: حقوق جزا علاوه بر ممنوعیت‌ها و نواهی معیارهائی نیز وضع می‌کند.^(۲)

قانون جدید بیش از پیش از قانون ۱۷۹۱ فاصله گرفته تا از قانون ۱۸۱۰، زیرا قانون اخیر در طول جلسات تدوین و بررسی و در کمیسیونها و در جریان مذاکرات مجلسین، پیوسته تنها منبع و مرجع بوده است.^(۳)

گفتیم که مبنای فلسفی قانون مزبور بر اندیشه اصالت فرد قرار دارد، حالا باید دید در تقدم منافع و حمایت از آنها، کدامیک از دو منفعت جمعی و فردی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟

وزیر دادگستری وقت در این باره می‌گوید: «با تصویب مجازات جدید حق تقدم منافع حمایت شده و تناسب آنها با مجازاتها دستخوش تغییراتی خواهد شد»^(۴) جمعی از نویسندگان منافع جمعی را در این قانون مقدم بر منافع فرد دانسته می‌نویسند «جرائم مهم جراثمی هستند که نظم عمومی و ارکان نظم جامعه و امنیت نظام جمهوری را متزلزل می‌سازد، زیرا در یک سوء قصد ساده همه شرارتها نهفته

مبحث اول: اصل قانونی بودن جرائم و

مجازاتها

در ماده ۲-۱۱۱ اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها را مورد تأیید قرار داده مقرر می‌دارد «قانون جنحه و جنایت را تعریف و برای آنها مجازات معین می‌کند. مقررات اداری خلاف را تعریف و مجازات آن را معین می‌نماید» در حالی که در قانون سابق در تعریف خلاف گفته شده بود «خلاف عملی است که قانون مجازات خلافی برای آن در نظر گرفته باشد.»

در ماده ۳-۱۱۱ پا را فراتر گذاشته تصریح می‌کند، حکم به مجازات جنحه‌ای یا جنائی صادر نمی‌شود مگر اینکه عناصر و اوصاف آن را قانون تعیین کرده باشد، و کسی را به مجازات خلافی نمی‌توان محکوم کرد مگر اینکه عناصر آن را مقررات اداری مشخص کرده باشد، این ماده نسبت به قانون قدیم عمیق‌تر و از گستردگی در معنا و اعمال محدودیت برای قاضی برخوردار است و دست قاضی جزائی را بسته، تا به سادگی پا را از حریم قانونی فراتر نهد و آزادی فردی را مورد تعرض قرار ندهد.

از اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها به قواعد و اصولی سرچشمه می‌گیرد که یکی از آنها تفسیر قوانین جزائی و تعیین حدود و ثغور تفسیر و چگونگی آنست که ذیلاً به شرح آن می‌پردازیم.

گفتار اول: تفسیر قوانین کیفری

قوانین کیفری ممکن است از صراحت و روشنی لازم برخوردار نباشد و قاضی کیفری

در این نوشتار تحولات قانون جدید را نسبت به قوانین سابق به خصوص قانون ۱۸۱۰ به طور گذرا و مختصر بررسی می‌کنیم شاید انجام چنین امری در بدو اجرا دشوار و تا اندازه‌ای بلندپروازانه جلوه کند، ولی از این امر نباید غفلت کرد که این مهم را استادان حقوق جزا و علوم جنائی طی مقالات متعدد و در کتب و آثار خود به نحو شایسته انجام داده‌اند و مطالب این مقاله اندکی از بسیاری است که آنان فراهم آورده‌اند.

موضوع را در سه بخش اصول و مواد عمومی، بخش اول، مسئولیت کیفری، بخش دوم، و آنگاه مجازاتها را در بخش سوم، بررسی خواهیم کرد و در پایان مختصراً تحولات آن را برخواهیم شمرد.

بخش اول

مقررات عمومی یا اصول کلی

در این بخش به اصول عمومی حقوق جزا، مانند اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و قواعد و اصولی که از این اصل نشأت می‌گیرد، سه اصل تفسیر مضیق متون جزائی و قلمرو اجرای قوانین جزائی در زمان و مکان می‌پردازیم.

مقنن با گسترش دامنه مفاهیم و لزوم ذکر اوصاف و شرائط جرائم و مجازاتها، در جهت حفظ آزادیهای فردی گام بلندی برداشته است قوت قانونی بخشیدن مقنن به قاعده قضائی تفسیر مضیق قوانین جزائی حساسیت نظام جزائی آن کشور را به حفظ حریم آزادیها و جلوگیری از خودسری قاضی نشان می‌دهد.

حقیقت در پرونده کیفری که تحت نظر و بررسی دارد، ضروری ببیند مورد تفسیر قرار داده حسب مورد راجع به انطباق آنها با قوانین اظهار نظر کند که این مورد نیز از نوآوریهای قانون جدید و برعکس ماده قبل در جهت توسعه اختیارات و تقویت قاضی کیفری است.

مبحث دوم: قلمرو اجرای قانون جزا در زمان

یکی از تحولات و نوآوریهای قانون جدید، در این قسمت است که به جای ماده ۴ قانون ۱۸۱۰ چهار ماده از ۱-۱۱۲ تا ۴-۱۱۲ را به آن اختصاص داده و از رویه قضائی زیادی که در این زمینه صادر شده استفاده کرده است.

ماده ۱-۱۱۲ فقط اعمالی، جرم و قابل مجازات است که در تاریخ ارتکاب جرم شناخته شده باشد، دادگاه فقط می‌تواند حکم به مجازاتی بدهد که در آن تاریخ لازم‌الاجراء باشد.

بهرحال قانون لاحق نسبت به جرائمی که سابقاً ارتکاب یافته و منجر به صدور حکم شده و اعتبار امر مختومه پیدا کرده است اجراء نمی‌شود مگر اینکه مجازات قانون لاحق خفیف‌تر از مجازات قانون سابق باشد.

همانطوری که ملاحظه می‌شود بند ۲ این ماده اعمال قاعده قضائی اجرای قانون اخف را که در ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر و شهروند آمده به صورت يك اصل قانونی درآورده است. ماده ۲-۱۱۲ در موارد زیر قانون جدید فوراً و به هنگام اعمال مجازات جرائمی که سابقاً ارتکاب یافته‌اند اعمال می‌شود:

۱- قوانین مربوط به صلاحیت دادگاهها و

در مواردی که قانون دارای ابهام و یا اجمال است یا منظور مقنن به خوبی روشن نیست، ناچار از تفسیر و تبیین مواد قانونی است. اما از آنجائی که قوانین کیفری در عین حال حافظ آزادی فرد و حقوق و مالکیت اشخاص است، و تفسیر موسع آنها ممکن است به حفظ حقوق و مالکیت و آزادی افراد خدشه وارد آورد، قاضی کیفری در تفسیر قوانین، اختیارات و گسترش حوزه عمل قاضی حقوقی را ندارد، رویه قضائی و دکتترین کیفری فرانسه قبل از تصویب قانون جدید به تفسیر مضیق قوانین کیفری معتقد بود، قانون جدید این قاعده قضائی را در حد يك اصل قانونی ارتقاء داده است.

در ماده ۴-۱۱۱ مقرر داشته تفسیر قوانین کیفری مضیق است، در مورد نحوه تفسیر قوانین و دایره تضییق آن حقوقدانان فرانسه‌وی نظریات گوناگونی ابراز داشته‌اند، بعضی از آنان از این ماده استنباط کرده‌اند که قاضی کیفری می‌تواند به تمثیل منطقی توسل جوید یا با استدلال منطقی روح قانون و مقصود مقنن را بکاود^(۹) ولی بعضی دیگر این نظر را با منطوق ماده سازگار ندانسته‌اند. (۵-۱۰)

گفتار دوم: تفسیر متون یا قوانین اداری

همانطوری که می‌دانیم تفسیر و بررسی قوانین و مقررات اداری و تشخیص مطابقت آنها با قانون به عهده شورای دولتی است ولی در قانون جدید به قاضی کیفری اجازه داده شده که اسناد اداری اجرائی یا شخصی را، در صورتی که برای تشخیص موضوع و کشف

قلمرو است بر سه اصل حقوق بین الملل پایه گذاری شده است.

۱- اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری - به این معنا که قانون کیفری فرانسه درباره کلیه کسانی که در سرزمین جمهوری این کشور مرتکب جرم می شوند قابل اجراست، اعم از اینکه دارای تابعیت فرانسوی باشند یا نه (ماده ۵-۱۱۲)

۲- اصل تابعیت: قانون مجازات فرانسه درباره کلیه جنایاتی که اتباع فرانسه در خارج در قلمرو کشور مرتکب می شوند قابل اجراست و همچنین در مورد جنحه هائی که فراریان در خارج از قلمرو فرانسه مرتکب می شوند اعمال می شود، مشروط بر اینکه آن اعمال در کشوری که جرم در آن وقوع پیوسته نیز جرم باشد.

۳- اصل صلاحیت شخصی منفی قانون مجازات فرانسه در مورد کلیه جنایات و نیز جنحه هائی که مستوجب مجازات زندان است و بزه دیده دارای تابعیت فرانسوی است قابل اجراست، که این اصل از سیاست هائی حمایت از بزه دیده الهام گرفته است (ماده ۷-۱۱۲) علاوه بر این موارد، در صورتی که جنایت و جنحه ارتكابی به منافع اساسی ملی فرانسه لطمه وارد کند، مرتکب آن طبق قانون فرانسه در محاکم فرانسه محاکمه و مجازات می شود. (ماده ۱۰-۱۱۲)

بخش دوم

مسئولیت کیفری اشخاص

عنوان دوم کتاب اول قانون مجازات جدید به دو بخش تقسیم شده، بخش اول به مقررات

سازمان قضائی در صورتیکه پرونده منجر به صدور رأی در مرحله بدوی نشده باشد.

۲- قوانین مربوط به چگونگی تعقیب و شکل دادرسی.

۳- قوانین مربوط به نظام اعمال و اجراء مجازاتها، بهر حال اگر اجراء این قوانین سابقاً موجب شدت مجازات می شده، نسبت به محکومیت هائی که بعد از قوت اجرائی این قوانین صادر شده، اجرا نمی شود.

۴- هنگامی که عمل مشمول مرور زمان شده باشد و قوانین راجع به مرور زمان دعوی عمومی و مرور زمان مجازات، جز در مواردی که اجراء آنها موجب تشدید وضعیت و به ضرر ذینفع تمام می شود.

ماده ۳-۱۱۲ قوانین مربوط به طرق شکایت از احکام و مهلت اعتراض و اشخاصی که حق اعتراض نسبت به آرائی که به موجب قانون جدید صادر شده، دارند.

ماده ۴-۱۱۲ اعمال فوری قانون لاحق بر اعتبار اعمالی که بموجب قانون سابق ارتکاب یافته اند بی تأثیر است. بهر حال اجراء حکم مجازات که به موجب قانون سابق صادر و تعیین شده، و قانون لاحق وصف مجرمانه آن را زایل کرده متوقف می شود.

مبحث سوم: قلمرو اجرای قانون

مجازات در مکان

قانون جدید در این زمینه نوآوری چشم گیری ندارد، دارای برجستگی هائی است که به آنها اشاره می کنیم:

مواد ۱-۱۱۱ تا ۱۲-۱۱۱ که مربوط به این

۱۷۹۱ و ۱۸۱۰ چنین مسئولیتی وجود نداشت.

الف - نظر مخالفین مسئولیت اشخاص حقوقی: دکترین حقوقی قرن ۱۹ اشخاص حقوقی را غیر قابل تعقیب و مجازات می‌دانست و علمای حقوق جزا عقیده داشتند که اشخاص حقوقی را به لحاظ جرائمی که عوامل یا نمایندگان یا اعضاء هیأت مدیره مرتکب می‌شوند نمی‌توان مجازات کرد، ولی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مذکور قابل تصور است، طرفداران این نظریه فقط اشخاص حقیقی را که دارای هوش و ادراک و اراده هستند مسئول اعمال خود می‌دانند، و اشخاص حقوقی را که فاقد وجود عینی و اراده هستند مسئول نمی‌دانند، زیرا از نظر آنان مسئولیت مستلزم يك خطا یا تقصیر شخصی است.

آنان در تبیین نظر خود اضافه می‌کنند که نقش سرکوبگر حقوق جزا در مورد اشخاص حقوقی صدق نمی‌کند و منحصر به اشخاص حقیقی است و مجازاتهای سالب آزادی را درباره اشخاص حقیقی نمی‌توان اعمال کرد و اصل شخصی بودن مجازات اقتضاء می‌کند کسی را به مجازات برسانیم که در ارتکاب عمل مجرمانه مباشرت داشته است.

ب - نظریه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: برحسب این نظریه، شخصیت حقوقی يك امر اعتباری و قراردادی است، و انکار نمی‌تواند کرد که اشخاص حقوقی يك واقعیت قضائی را بوجود می‌آورند که دارای يك اراده جمعی مخصوص به خود هستند که از اراده خواست اعضاء تشکیل‌دهنده آنها متمایز است.

عمومی مسئولیت کیفری اختصاص یافته و بخش دوم مربوط به علل عدم مسئولیت یا تخفیف مسئولیت کیفری است. اولین ماده بخش اول راجع به اصل شخصی بودن مجازات است ماده ۱-۱۲۱ قاعده شخصی بودن مجازات را بصورت يك اصل درآورده مقرر می‌دارد، هرکس مسئول عمل خویش است یا از نظر کیفری هر شخصی فقط در قبال عمل خود مسئول است.

در این بخش سه موضوع را بررسی می‌کنیم ابتداء در مبحث اول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را که یکی از نوآوریهای نظریه قانون جدید است بررسی می‌کنیم، در قسمت دوم علل عدم مسئولیت و تخفیف مسئولیت را خواهیم دید و در قسمت سوم علل رافع مسئولیت می‌پردازیم.

مبحث اول: به مسئولیت کیفری

اشخاص حقوقی

گفتیم که قبول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از دست‌آوردهای نو، قانون جدید است که ابتدا به ذکر سابقه‌ای از آن در حقوق فرانسه اشاره می‌کنیم سپس نظر مخالفین و موافقین را بیان می‌کنیم، آنگاه موضوع و شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بیان خواهیم کرد.

۱- سابقه تاریخی: مسئولیت کیفری

اشخاص حقوقی در نظام قدیم (قبل از انقلاب ۱۷۸۹) پذیرفته شده بود، روستاها، قصابات امت از نظر کیفری مسئول بودند، انقلابیون فرانسه از پذیرفتن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خودداری کردند در نتیجه در قانون

اصل مسئولیت کیفری اشخاص در سال ۱۸۸۹ در آلمان و نیز کانادا و آمریکا از طریق رویه قضائی و در یوگسلاوی در مورد جرائم اقتصادی پذیرفته شده است.

بالاخره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به موجب ماده ۲-۱۲۱ پذیرفته شده، اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی عمومی به استثنای دولت و نیز اشخاص حقوقی حقوق خصوصی مسئول اعمالی می‌باشند که ارگانها یا عوامل و نمایندگان آنها به‌نام و به‌حساب آنان و در جهت حفظ یا تحصیل منافع مرتکب می‌شوند در صورتی که آن اعمال را قانون جرم شناخته باشد، و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی به استثنای دولت و مؤسسات عمومی که عهده‌دار انجام اعمال حاکمیت هستند، پذیرفته شده و مؤسسات عمومی ملی و محلی چنانچه عهده‌دار انجام خدمات عمومی که به‌موجب قرارداد خاص قابل واگذاری به اشخاص حقیقی اعم از عمومی و خصوصی است شوند، دارای مسئولیت کیفری هستند.

گروههای اجتماعی و سیاسی مانند انجمن‌ها و اتحادیه‌های صنفی و کاریگری و احزاب از نظر کیفری مسئول هستند.^(۱۱)

دلیل مستثنی شدن دولت و مؤسسات عمومی که اعمال حاکمیت انجام می‌دهند آنست که دولت حافظ منافع عمومی است و وظیفه تعقیب و مجازات مهمن را عهده‌دار است و مظهر قدرت و اقتدار جامعه است.^(۱۲)

اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، شرکتهای تجاری، صنعتی و تولیدی از طریق

در مورد عدم امکان مجازات‌های سالب آزادی، طرفداران این نظریه پاسخ می‌دهند که هرچند امکان عملی و مادی اجرای ضمانت اجراهای کیفری از جمله کیفرهای سالب آزادی درباره اشخاص حقوقی وجود ندارد، ولی دارای ثروت و دارائی هستند که مجازاتهای مالی را می‌توان درباره آنها اعمال کرد مانند جریمه، مصادره اموال، یا مجازات انحلال که به حیات شخص حقوقی خاتمه می‌دهد یا مجازاتهایی که صلاحیت انجام فعالیت‌هایی را از آنها سلب می‌کند.

درست است که یکی از اهداف کیفر، اصلاح مجرم است، اما در حقیقت تنها هدف مجازات اصلاح مجرم نیست، بلکه نقش بازدارنده و ارعابی آن نیز مطرح است، و اعمال مجازات مالی یا ارادی در تصحیح رفتارهای شخصی حقوقی مؤثر است. بالاخره ما در عصری زندگی می‌کنیم که اشخاص حقوقی در قلمبروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای نقش مؤثری هستند و جرائم از قبیل کلاهبرداری، خیانت در امانت، تخلف از قوانین مالیاتی و قوانین مربوط به شرکتها و جرائم ناشی از سازش یا تبانی شرکتها بیش از پیش توسط اشخاص حقیقی یا در جهت منافع اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابند. طبیعی است که اگر اشخاص حقیقی مباشر این اعمال قادر به پرداخت جریمه مقرر باشند، مسئولیت پرداخت ضرروزیان ناشی از جرم، جریمه، جزای نقدی بعهد شخص حقوقی است که اشخاص حقیقی به‌نام آنها یا به‌نماینده‌گی و در جهت تحصیل منفعت آنها مرتکب شده‌اند.

است و به موجب آن شخص حقوقی ممکن است با يك یا چند شخص حقیقی مجتمعاً مسئولیت کیفری پیدا کند. این ماده مانع از آنست که شخص حقوقی از نظر جرمی که شخص حقیقی به نام او انجام داده از مسئولین مبرا شود. (۱) و (۴)

ضرورت حکم می‌کند که در تقسیم مسئولیت بین شخص حقوقی و اشخاص حقیقی بین جرائم عمدی و غیرعمدی تفکیک قائل شویم بدیهی است که من بعد در میان جرائمی که اشخاص حقوقی به لحاظ ارتکاب آنها مجرم شناخته خواهند شد جرائم عمدی وجود خواهد داشت از آن جمله است جرائم علیه اموال که در کتاب سوم قانون مجازات پیش‌بینی شده موضوع این جرائم ترکیبی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی است که تنها بعنوان مشارکت در جرم مطرح می‌شود ممکن است بعنوان معاونت نیز تحقق یابد. مواد قانونی صراحت دارند که شخص حقوقی از نظر کیفری ممکن است معاون جرم محسوب شود درحالی‌که مباشر شخص حقیقی است.

ولی در جرائم غیرعمدی مسئولیت کیفری استثناءً متوجه مرتکب جرم است و شخص حقوقی ممکن است تا سرحد مشارکت در جرم مسئولیت پیدا کند. (۱۵)

مبحث دوم: علل عدم مسئولیت و تخفیف مسئولیت کیفری

علل موجه جرم که موجب معافیت مجرم از کیفر می‌شوند چندان تحولی پیدا نکرده‌اند در

اعمالی که هیأت مدیره، مدیران، نمایندگان آنها بنام آنها و در جهت حفظ منافع یا تحصیل منفعت برای این شرکتها مرتکب می‌شوند مسئولیت دارند.

شرائط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: مسئولیت اشخاص حقوقی دارای سه ویژگی یا سه شرط است.

الف - مشروط است؛ یعنی مشروط به شرائطی است که قانون پیش‌بینی کرده است و قلمرو اجرای این مسئولیت محدود به مواردی است که در قانون پیش‌بینی شده و تابع قاعده یا اصل کلی قانونی بودن جرائم و مجازات نمی‌باشد، چنانچه شخص حقوقی اعم از عمومی یا خصوصی مرتکب عملی شود باید آن عمل در قوانین مربوط به اشخاص حقوقی جرم شناخته شده باشد و اگر قانون مجازات عمومی وصف مجرمانه و مجازات آن را درباره اشخاص حقوقی معین نکرده باشد هرچند جرم و قابل مجازات باشد شخص حقوقی را نمی‌توان تعقیب و مجازات کرد.

ب - مسئولیت اشخاص حقوقی خاص است یعنی در قلمرو مواد قانونی که دایره مسئولیت اشخاص مذکور را تعیین کرده قابل تصور است.

ج - مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تابع قاعده تعدد مسئولیت است و جمعی است بند سوم ماده ۲-۱۲۱ مقرر می‌دارد که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی که مباشر یا معاون همان جرائم هستند، نمی‌باشد. این ماده اصل تعدد مسئولیت یا جمع مسئولیت را پذیرفته

کیفیت اجراء دستور یا امر آمر قانونی و تکلیف مأمور یا زیردست در قبال آن، قانون ساکت است ماده ۴-۱۲۲ جدید حالت سکوت را شکسته و به طور صریح تکلیف مأمور یا زیردست را روشن کرده است ماده مذکور مقرر می‌دارد: کسی که تحت تأثیر امر آمر قانونی مرتکب عملی شود، در صورتیکه آن عمل مخالف بین (آشکار) قانون نباشد، مسئول نخواهد بود. قانونگذار فرانسه از سه نظریه موجود، نظر بینابین را پذیرفته است. (۱۶)

۳- دفاع مشروع: قانون جدید به جای دو ماده ۳۲۸ و ۳۲۹ که بطور محدود به دفاع مشروع پرداخته بود، دو ماده مفصل که حاوی کلیه شرایط دفاع و حمله از طرفی، و تعدد موضوع‌هائی که دفاع از آنها ضروری است از طرف دیگر است، اختصاص داده است که ابتدا ترجمه دو متن را بیان کرده سپس تحولات آن را در مقایسه با هم بررسی می‌کنیم.

ماده ۳۲۸: قتل و ضرب و جرح که در مقام دفاع از نفس یا جان خود ارتکاب یابد، جنحه و جنایت محسوب نمی‌شود.

ماده ۳۲۹: قتل یا ضرب و جرح در مقام دفع کسانی که شبانه یا بالا رفتن از دیوار منزل یا شکستن در وارد منزل یا مسکن اشخاص می‌شوند، اعمالی که در مقام دفاع در مقابل سرقت یا غارت توأم با خشونت انجام شود در حکم دفاع مشروع تلقی می‌شوند و اینک ترجمه مواد جدید را بیان می‌کنیم.

ماده ۵-۱۲۲: کسی که در مقابل یک تهاجم یا تعرض که علیه جان او یا دیگری صورت می‌گیرد، در همان آن، مرتکب عملی

قلمرو دفاع مشروع و امر آمر قانونی و حکم قانون تا حدودی تغییراتی حاصل شده و حالت اضطرار که رویه قضائی کشور فرانسه آن را از علل موجهه می‌دانست و در قانون مجازات عمومی نیامده بود. در قانون جدید بعنوان یکی از علل ذکر شده است و در زمینه علل رافع مسئولیت نیز تحول اساسی ایجاد نشده در مورد جنون تحول شکلی صورت گرفته ولی اشتباه حکمی بعنوان یکی از علل رافع مسئولیت با استفاده از رویه قضائی به رسمیت شناخته شده است این مبحث را در دو گفتار بررسی می‌کنیم.

گفتار اول: علل موجهه

۱- حالت اضطرار: این عامل در قانون سابق وجود نداشت و رویه قضائی آن را جزء علل عدم مسئولیت مجازات می‌دانست قانون جدید ماده ۷-۱۲۲ را به آن اختصاص داده مقرر می‌دارد: کسی که در مواجهه با یک خطر بالفعل یا مهم که جان او یا دیگری یا مالی را تهدید می‌کند، مرتکب عملی شود که ضرورت حفظ جان یا مال آن را اقتضاء می‌کند. در صورتی که بین وسائلی که به کار گرفته و شدت و وخامت خطر تناسب وجود داشته باشد، از مسئولیت کیفری مبرا است.

۲- امر آمر قانونی و حکم قانون: ماده ۳۲۷ قانون سابق مقرر می‌داشت قتل و ضرب و جرح، چنانچه به حکم قانون یا به امر آمر قانونی واقع شده باشد، جنحه و جنایت محسوب نمی‌شود. همانطوری که از منطوق ماده استنباط و برداشت می‌شود در مورد

کلاسیک عمل مدافع را جرم نمی‌دانست^(۱۷) ولی در قانون جدید با الهام از مکتب دفاع اجتماعی توجه خود را معطوف به متهم کرده^(۱۸) سخن از عدم مسئولیت مدافع به میان آورده است.^(۱۹)

گفتار دوم: علل رافع مسئولیت

۱- جنون: قانون سابق یکی از علل رافع مسئولیت را جنون ذکر کرده بود، قانون جدید این اصطلاح را کنار گذاشته و از دو اصطلاح اختلالاتی روحی یا روانی نام برده و زوال مطلق شعور را موجب عدم مسئولیت مرتکب و زوال نسبی آن را از جهات مخففه دانسته است (ماده ۱-۱۲۲ قانون مجازات جدید)

۲- اشتباه حکمی: قانون جدید این مورد را بر علل رافع مسئولیت افزوده که به‌طور اختصار به‌ذکر شرایط آن می‌پردازیم:

ماده ۳-۱۲۲ می‌گوید: «اشخاصی که بر اثر اشتباه در حکم قانون، اعتقاد داشته‌اند که مجازند عملی را انجام دهند، که آن عمل جرم بوده قابل مجازات نیستند.» در پیش‌نویس قانون، عبارت «اشتباه در حکمی که اجتناب‌ناپذیر بوده» قید شده که مجلس ملی، عبارت مذکور را از متن آن حذف کرده است.

اشتباه حکمی ممکن است ناشی از جهل به قانون یا معلول تفسیر نادرست از آن باشد، در مورد جهل به قانون، فرض قانون بر اینست که بعد از چاپ و انتشار قانون در روزنامه رسمی کشور همه شهروندان فرانسوی از آن آگاه می‌شوند، و قاعده هیچکس جاهل به قانون فرض نمی‌شود» که معادل قاعده جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، در حقوق ایران است،

شود که ضرورت دفاع از جان خود یا دیگری آن را ایجاب می‌کند، در صورتی که وسائل دفاعی با شدت و وخامت حمله یا تعرض تناسب داشته باشد، از نظر جزائی مسئول نخواهد بود، کسی که برای توقف اجرای جنحه یا جنایتی که علیه اموال در حال ارتکاب است، مرتکب عملی غیر از قتل شود، در صورتیکه عمل انجام شده دقیقاً به‌منظور رفع تهاجم و متناسب با شدت و وخامت آن باشد، مسئول نخواهد بود.

ماده ۶-۱۲۲ اعمالی را که در حکم دفاع مشروع‌اند همانند ماده ۳۲۹ سابق بیان کرده‌است:

۱- اعمالی که در مقام دفع کسائی انجام می‌شود که شبانه به‌عنف یا شکستن حرز یا با خشونت و نیرنگ وارد محل مسکونی شوند.

۲- اعمالی که برای دفاع در مقابل سرقت یا غارت توأم با خشونت انجام می‌شود.

از مقایسه مواد قانون سابق و لاحق به‌خوبی می‌توان دریافت که تأسیس دفاع مشروع تحولی شگرف پیدا کرده و آنچه که علمای علوم جنائی و محاکم جزائی بخصوص شعب کیفری دیوانعالی کشور، طی مدت قریب دو قرن برای تحقق دفاع مشروع و شرایط حمله و دفاع و تناسب دفاع با حمله و عدم مسئولیت مدافع لازم می‌دانستند، دو ماده مزبور به‌طور جامع حاوی می‌باشد.

نکته دیگری که یادآوری آن در اینجا لازم است، تأثیرپذیری مقنن از مکاتب جرم‌شناسی، بخصوص مکتب دفاع اجتماعی است، زیرا در قانون سابق قانونگذار تحت تأثیر مکتب

مبحث سوم: شروع و معاونت در جرم

قانون جدید در مقررات مربوط به شروع جرم تغییری ایجاد نکرده است، طبق ماده ۱۲۱-۵ شروع به جنایت مطلقاً جرم است، ولی شروع به جنحه در صورتی جرم محسوب می‌شود که قانون آن را جرم دانسته باشد.

در مورد معاونت در جرم نیز تحولی در قانون جدید وجود ندارد، جز اینکه معاونت در جرائم خلافی را که قبلاً جرم نبوده بند ۲ ماده ۱۲۱ جرم شناخته شده است، البته بموجب تکمله‌ای که بر ماده ۲۰-۶۱۰ قانون اصلاحی جدید اضافه شده و مستنبط از بند ۲ ماده ۷-۱۲۱ شروع به خلاف را جرم و آن را مستوجب مجازات مذکور در ماده ۶-۱۲۱ دانسته است.^(۲۱)

آخرین مبحث این بخش مربوط به خطا یا تقصیر است که ذیلاً شرح آن را ملاحظه می‌فرمائید.

مبحث چهارم: خطا یا تقصیر جزائی

ماده ۳-۱۲۱ مقرر می‌دارد، هیچ عملی جنحه یا جنایت محسوب نمی‌شود مگر اینکه مرتکب آن دارای قصد و نیت باشد.

به همین جهت بعضی از جرائم جنحه‌ای به خلاف تبدیل شده‌اند و در واقع مقنن به خلافی کردن جنحه‌ها دست یازیده است. جرائم مربوط به محیط زیست و آلوده کردن هوای شهرها و حقوق کار از این قبیل‌اند.

بند ۲ ماده ۲-۱۲۱ جرائم غیر عمدی که

ناشی از بی‌احتیاطی، غفلت، بی‌مبالاتی و دیگری را در معرض خطر جدی قرار دادن را

این ذهنیت را ایجاد کرده که ادعای عدم آگاهی از قانون از هیچکس پذیرفته نمی‌شود، البته این قاعده بیشتر در حقوق مدنی مطرح است تا در حقوق جزاء ولی در حقوق جزا با شدت بیشتری اعمال می‌شود، در قلمرو امور جزائی گفته می‌شود که جهل به قانون عملاً هیچگونه تأثیری بر مقصر بودن شخص ندارد، ولی برحسب اینکه جرم عمدی یا غیرعمدی باشد، حکم قضیه متفاوت خواهد بود.

گاهی شخص عالم بوجود قانون است، ولی برداشت و تفسیر نادرستی از آن دارد، فهم و درک قانون برای وی دشوار است: علی‌رغم اینکه رویه قضائی فرانسه اشتباه در حکم قانون را، رافع مسئولیت نمی‌دانست، قانونگذار آن را جزء علل رافع مسئولیت بیان کرده است.^(۲۰)

۲- اجبار و اکراه: ماده ۶۴ قانون سابق اکراه را با جنون یکجا ذکر کرده بود ولی قانون جدید ماده مستقلی به آن اختصاص داده و در ماده ۲-۱۳۲ همانند ماده سابق کسی را که تحت تأثیر یا بر اثر اجباری که غیرقابل مقاومت و تحمل است مرتکب جرم شود مسئول ندانسته است.

۴- صغر: در قانون جدید، با وجود اهمیت بزهکاری صغار و نوجوانان، و لزوم تدوین مقررات کامل و جامعی در مورد آنان، فقط يك ماده به این امر اختصاص یافته است که صغار بزهکار را مشمول تدابیر حمایتی، معاضدتی، مراقبتی و بالاخره تربیتی دانسته و نیز شرائط مجازات صغاری را که بیش از سیزده سال دارند، مشخص کرده است.^(۲۱)

حذف اقدامات تأمینی است. قانون با حذف این واژه حقوقی و عدم تفکیک بیم مجازات‌ها و اقدامات تأمینی به جدال کهنه و سابقه‌دار تفکیک این دو، خاتمه داده است تنها در ماده ۱۳۲-۸ که راجع به صغار بزه‌کارست، از اقدامات حمایتی، معاضدتی، مراقبتی و تربیتی نام برده، ولی با اینکه در جای‌جای قانون بعضی از تدابیر را که جنبه پیشگیرانه دارد ذکر کرده مانند: توقیف پروانه رانندگی یا لغو پروانه شکار یا ممنوعیت از اشتغال به حرفه معین و... از اطلاق عبارت تدبیر تأمینی یا اقدام تأمینی بر آنها، خودداری و آنها را گاهی بعنوان مجازات تکمیلی یا جایگزین و گاه بعنوان مجازات اصلی مقرر داشته است.^(۲۲)

مقنن کلمه مجازات (la peine) را بجای کلمه ضمانت اجراء (la sanction) بکار برده زیرا واژه مجازات پاسخگوی سאלتهای گوناگونی است، که امروز از حقوق جزا انتظار می‌رود، که عبارتند از:

- ۱- رسالت سزادهی یا کفاره‌ای مجازات که نتیجه بعضی از مجازات‌ها است.
- ۲- نقش ارعابی، ارعاب فرد و اجتماع
- ۳- وظیفه اصلاحی، که بطور ضمنی نقش اخلاقی و آموزشی و اجتماعی را نیز دربردارد.
- ۴- نقش بازسازی، بازسازگار کردن مجرم با خودش، مجرم با جامعه و جامعه با مجرم.^(۲۴)

اینک به طبقه‌بندی مجازات‌ها می‌پردازیم.

مبحث اول: طبقه‌بندی مجازات‌ها

طبقه‌های مجازات‌ها در سیستم‌های

پیش‌بینی کرده است. در معرض خطر جدی قرار دادن دیگری مربوط به خطای احتمالی و حد وسط بین تقصیر عمدی و تقصیر خطائی ناشی از بی‌احتیاطی است.^(۲۲)

بخش سوم

مجازات‌ها

در ابتدای این گفتار یادآور می‌شویم که قانون اصلاحی جدید در قلمرو مجازات‌ها، دگرگونی عمیقی ایجاد نکرده، ولی برجستگی‌هایی هم در محدوده تنوع مجازات‌ها و هم توسعه اختیارات قاضی دادگاه نسبت به قانون سابق دارد.

مقنن متأثر در جرم‌شناسی جدید، به خصوص مکتب دفاع اجتماعی، اصل شخصی کردن مجازات‌ها را عملاً و منطقاً پذیراشده و یک ماده قانونی نیز به آن اختصاص داده است که برای درک عمیق‌تر آن، متن ماده را ذیلاً بیان می‌کنیم.

ماده ۱۳۲-۲۴: قاضی دادگاه در حدودی که قانون معین کرده حکم به مجازات صادر می‌کند، نظام اجرائی مجازات را با توجه به اوضاع و احوال جرم و شخصیت مجرم تعیین می‌نماید، در مواردی که حکم به پرداخت جریمه می‌دهد، باید مقدار آن را با توجه به میزان درآمد و مخارج یا هزینه زندگی مرتکب جرم تعیین کند.

نکته دیگر تنوع بخشیدن به مجازات‌ها است که از سال ۱۹۵۸ اقداماتی برای تحقق آن صورت گرفته بود، که قانون جدید به آن جامه عمل پوشانده است.

بالاخره برقراری نظام مجازات‌های واحد، و

ساوراء بحار شد که در سرزمین یکی از مستعمرات فرانسه اعمال می‌گردید.

در سال ۱۹۳۲ تحولی در تقسیم‌بندی مجازات‌ها ایجاد شد و آن تقسیم مجازات‌های جنائی به جرائم سیاسی و عادی بود که قانون جدید در طبقه‌بندی یا تقسیم دومی، این مبنا را حفظ کرده است. (۲۶)

گفتار اول: مجازات‌های جنائی

مجازات‌هایی که در این گفتار از آنها سخن به میان می‌آوریم، مجازات‌هایی است که در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمالند زیرا با توجه به قبول مسئولیت اشخاص حقوقی، قانونگذار مجازات‌های اشخاص مذکور را در يك فصل جداگانه ذکر کرده است، بنابراین مجازات‌های جنائی اشخاص حقیقی عبارتند از:

- ۱- حبس جنائی درجه ۱ دائم.
- ۲- حبس جنائی درجه ۲ دائم.
- ۳- حبس جنائی درجه ۱ یا ۲ به مدت ۳۰ سال.
- ۴- حبس جنائی درجه ۱ یا ۲ به مدت ۲۰ سال.
- ۵- حبس جنائی درجه ۱ یا ۲ به مدت ۱۵ سال.

۶- حبس جنائی درجه ۱ یا ۲ موقت که مدت آن ده سال است. (ماده ۲-۱۳۱)

ماده ۲-۱۳۱ مقرر می‌دارد: تعیین مجازات‌های جنائی درجه ۱ یا ۲ مانع از آن نیست که دادگاه مجازات جریمه یا يك یا چند مجازات تکمیلی دیگر را که در ماده ۱۰-۱۳۱ پیش‌بینی شده است مورد حکم قرار دهد. که

مختلف قانونگذاری بر دو اساس پی‌ریزی می‌شود:

۱- براساس طبیعت جرم و شدت و وخامت آن، که در نظام جزائی جمهوری اسلامی جرائم براین اساس به پنج نوع قصاص و حدود و دیات و تعزیرات و جرائم بازدارنده تقسیم شده است. (۲۵)

۲- در بعضی از نظام‌ها و شاید در اکثر آنها جرائم برحسب میزان مجازات طبقه‌بندی می‌شود. که نظام فرانسه از این روش استفاده کرده و جرائم را به جنایت و جناحه و خلاف تقسیم کرده است، مضافاً اینکه در طبقه‌بندی جرائم برحسب تعداد آنها نیز اختلاف‌هایی وجود دارد که بعضی از آنها سیستم سه‌گانه را انتخاب کرده. بعضی جرائم ا به دو دسته تقسیم و در نظام جمهوری اسلامی از سیستم پنجگانه استفاده شده است.

البته در ماده ۱-۱۱۱۱ گفته شده، جرائم برحسب شدت و وخامت به جنایت و جناحه و خلاف تقسیم می‌شوند، ولی در فصل مجازات‌ها آنها را در تقسیم اولی به سه نوع عمده جنایت و جناحه و خلاف تقسیم کرده و بطور غیرمستقیم شدت و ضعف جرم را تابع شدت و ضعف مجازات قرار داده است.

در قانون ۱۸۱۰ مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود که از ۹ اکتبر ۱۹۸۱ در کلیه جنایات عادی ملغی شد، و در جرائم سیاسی به موجب قانون اساسی ۴ نوامبر ۱۹۴۸ ملغی و در ۸ ژوئیه ۱۸۵۰، تبعید در يك قلعه نظامی جانشین آن شد و حبس جنائی درجه ۲ دائم نیز جایگزین مجازات تبعید به آن سوی دریاها یا

نکته دیگر اینکه حداکثر مجازات حبس جنحه‌ای به موجب ماده ۴-۱۲۱ نسبت به قانون جزای ۱۸۱۰ افزایش یافته است، زیرا در قانون سابق حداکثر حبس جنحه‌ای هفت سال بود که در قانون اصلاحی جدید به ۱۰ سال افزایش یافته است. (۲۷)

ماده ۱۹-۱۲۲ به قاضی اختیار داده است که مجازات حبس، کمتر از آنچه که برای آن جرم جنحه‌ای پیش‌بینی شده تعیین نماید، بدون اینکه ملزم باشد، آن را یک یا دو درجه تخفیف دهد. ذیل همین ماده قاضی دادگاه را مکلف کرده، در مواردی که حبس جنحه‌ای تنجیزی یا غیرتعلیقی را تعیین می‌کند و آن را متعلق نمی‌سازد، دلایل عدم تعلیق را مستنداً ذکر کند، در واقع گوئی در امور جنحه اصل بر تعلیق مجازات حبس است.

در موردی که مرتکب دارای سابقه کیفری مؤثر است، قاضی دادگاه می‌تواند مجازات حبس را تا بیست سال تشدید کند. در قانون سابق میزان جریمه حداکثر ۱۲۰۰۰ فرانک بوده است. روزهای جریمه یا جریمه برحسب روز که در قانون جدید به‌عنوان مجازات جنحه‌ای ذکر شده در سال ۱۹۸۵ به تقلید بعضی از کشورها وارد حقوق جزای فرانسه شده است. هرگاه جرم جنحه‌ای مستوجب مجازات جنحه‌ای باشد، دادگاه می‌تواند به جای مجازات حبس، مجازات روزهای جریمه را تعیین کند، برای تعیین این مجازات قانون شرایطی پیش‌بینی کرده که عبارتند از: اولاً جریمه تعیین شده باید متناسب با درآمد و هزینه‌های زندگی محکوم‌علیه باشد. ثانیاً مجازات هرروز از

مبین وجود مجازات‌های تکمیلی در امور جنائی است. در جرائم سیاسی که مستوجب مجازات جنائی است، به دادگاهها اجازه اعمال مجازات‌های تکمیلی داده شده است.

گفتار دوم: مجازات‌های جنحه‌ای

مجازات‌های جنحه‌ای که در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمال است عبارتند از:

- ۱- حبس
 - ۲- جریمه
 - ۳- جریمه روز یا برحسب روز
 - ۴- کار در مؤسسات عام‌المنفعه یا بِنفع‌عامه
 - ۵- مجازات‌های سالب یا محدودکننده حقوق که در ماده ۶-۱۲۱ پیش‌بینی شده است.
 - ۶- مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۱۰-۱۳۱.
- مجازات‌های حبس عبارتند از حبس تا ۱۰ سال، حبس تا ۷ سال، ۵ سال، ۳ سال، ۲ سال، یکسال و ۶ ماه
- نکاتی چند را در مورد کیفیت تعیین مجازات‌های جنحه‌ای باید یادآور شد. قانون مصوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ برای مبارزه با مجازات‌های سالب آزادی به قاضی اجازه داده بود که در امور جنحه به جای حبس، یکی از مجازات‌های تکمیلی را به‌عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار دهد.
- ماده ۳-۱۲۱ قانون جدید نیز از این روش اسفاده کرده و از این لحاظ از غناء بیشتری برخوردار است و دست قضات محاکم جنحه را برای اعمال مجازات‌های غیرسالب آزادی و اجتناب از حبس باز گذاشته است.

اخطار می‌کند که می‌تواند از پذیرفتن این مجازات خودداری نماید یا آن را بپذیرد، و بعد از دریافت پاسخ مثبت اقدام به تعیین مجازات می‌کند. شخصی که به این مجازات (با اعلام رضایت) محکوم شده، هرگاه بعد از صدور حکم از اجرای آن سرپیچی کند به موجب ماده ۴۲-۴۳ به دو سال حبس و بیست‌هزار فرانک جریمه محکوم می‌شود، که طبق مقررات قانون جدید ممکن است مجازات حبس به حالت تعلیق درآید.

مجازات‌های سالب یا محدودکننده حقوق: قانون مصوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ به قاضی اجازه داده بود که به‌عنوان مجازات اصلی مجازات‌های زیر را مورد حکم قرار دهد.

تعلیق یا توقیف پروانه رانندگی به مدت پنج سال

مصادره وسیله نقلیه یا اسلحه

ضبط پروانه شکار

قانون به این مجازات‌ها، عنوان سالب یا محدودکننده حقوق داده، در ماده ۶-۱۳۱ تا ۹-۱۳۱ ضمن احصاء آنها مقرر داشته در هر مورد که مجازات جرمی حبس جنبه‌ای یا جریمه باشد، دادگاه می‌تواند یک یا چند مجازات سالب یا محدودکننده حقوق را به جای حبس مورد حکم قرار دهد.

در خاتمه اضافه می‌کنیم که به موجب ماده ۹-۱۳۱ قاعده عدم جمع مجازات‌ها در مورد زندان و مجازات‌های سالب یا محدودکننده حقوق از سوئی و زندان یا حبس و مجازات کار به نفع عموم یا عامه از سوی دیگر لازم‌الرعايه است.

دو هزار فرانک تجاوز نکند ثالثاً با اوضاع و احوال جرم تناسب داشته باشد رابعاً مدت آن از سیصد و شصت روز تجاوز نکند. در این ماده اصل شخصی کردن مجازات و توجه به اوضاع و احوال شخصی مجرم که از دست‌آوردهای مکتب دفاع اجتماعی است به خوبی محسوس است. لازم به توضیح است که در قانون ۱۹۸۵ مجازات روزهای جریمه یک مجازات جایگزین بود ولی فعلاً جزء مجازات‌های اصلی است و نقش جایگزین حبس را نیز ایفاء می‌کند (۲۷) جمع این مجازات با مجازات جریمه متنوع است و نیز قانون جمع این مجازات را با مجازات‌های مذکور در ماده ۱۴-۱۲۱ را منع کرده است.

مجازات کار کردن به نفع عامه: این مجازات نیز از سال ۱۹۸۵ وارد قانون جزای فرانسه شده و عنوان مجازات جایگزین داشته است. در قانون جدید نیز عنوان مجازات جایگزین حبس را دارد که شرایط و کیفیت اعمال آن را ماده ۸-۱۲۱ مشخص کرده است که برحسب آن قاضی دادگاه جنحه می‌تواند در مواردیکه مجازات عمل انتسابی حبس جنبه‌ای است مقرر کند که محکوم علیه در یک مدت زمان بین چهل تا ۲۴۰ ساعت یک کار عام‌المنفعه را به نفع عموم را انجام دهد ولی باید مزد دریافتی را به یک مؤسسه عام‌المنفعه یا یک انجمن خیریه بپردازد. اعمال این ماده در مورد متهمی که در جلسه دادگاه حضور نداشته (رسیدگی غیابی) یا از حضور در جلسه دادگاه امتناع کرده است ممنوع می‌باشد. رئیس دادگاه قبل از صدور حکم و تعیین مجازات کار به نفع عامه به متهم

قطعی یا تنجیری به مدت حداکثر پنج سال صادر کنند مخیر است که دوره تأمین را که محکوم طی آن نمی‌تواند از هیچیک از طرق اجرای مجازات مذکور در بند یک بهره‌مند شود، تعیین کند. در هر حال دوره تأمین نباید از دوسوم مجازات تعیین شده یا حداکثر ۲۲ سال در حبس جنائی درجه یک تجاوز کند.

گفتار چهارم: مجازاتهای خلافی

مجازاتهای خلافی که درباره اشخاص حقیقی قابل اعمال است عبارت است از:

۱- جریمه

۲- مجازاتهای سالب یا محدودکننده

حقوق

مجازاتهای حبس خلافی که در قانون سابق وجود داشت، در قانون جدید از لیست مجازاتهای خلافی حذف شده است، مضافاً اینکه در امور خلافی این مجازاتها، مانع از اعمال یک یا چند مجازات تکمیلی که در مواد ۱۶-۱۳۱ و ۱۷-۱۳۱ پیش‌بینی شده نمی‌باشد، مجازاتهای جریمه به پنج دسته یا درجه تقسیم می‌شوند.

درجه اول ۲۵۰ فرانک

درجه دوم ۱۰۰۰ فرانک

درجه سوم ۳۰۰۰ فرانک

درجه چهارم ۵۰۰۰ فرانک

درجه پنجم ۱۰۰۰ فرانک

در مورد تکرار جرم، در صورتی که در قانون پیش‌بینی شده باشد، مجازات درجه پنجم تا ۲۰۰۰ فرانک قابل افزایش است، در هر مورد که مجازات جرمی، جریمه درجه پنجم

در مواردی که در ماده ۷-۱۳۱ پیش‌بینی شده مجازات جریمه یا روزهای جریمه را دادگاه نمی‌تواند با مجازات سالب یا محدودکننده حقوق که در ماده ۶-۱۳۱ پیش‌بینی شده است، جمع کند. مجازاتهای سالب یا محدودکننده حقوق را می‌توان با هم و مجموعاً مورد حکم قرار داد، ولی آنها را با مجازات کار به نفع عموم نمی‌توان مجموعاً تعیین کرد. همچنین مجازات کار به نفع عموم و مجازات جریمه یا جریمه برحسب روز با هم قابل جمع نیستند و بالاخره مجازاتهای جنحه‌ای عموماً غیرقابل جمع هستند.

گفتار سوم: دوره تأمینی

ماده ۲۳-۱۳۲ دوره تأمین مجازاتها را که در قانون سابق وجود داشت، حفظ کرده است، به موجب این ماده در محکومیت‌های سالب آزادی که مجازات تعلیق نشده باشد، در صورتیکه مدت حبس ده سال یا بیشتر باشد، در موارد پیش‌بینی شده در قانون، محکوم تا مدت معین، حق استفاده از آزادی مشروط، بهره‌مند شدن از سیستم نیمه‌آزادی را ندارد، در صورتیکه حبس جنائی درجه یک باشد، مدت این دوره هیجده سال است، در سایر موارد معادل نصف مدت مجازات خواهد بود. دیوان جنائی یا دادگاه جنحه برحسب اقتضاء به موجب تصمیم جداگانه، می‌توانند این مدت را تا معادل دوسوم مدت حبس و در مورد حبس دائم تا ۲۲ سال افزایش یا مدت آن را تقلیل دهند. در سایر موارد هرگاه دادگاه جنحه یا دیوان جنائی حکم به مجازات سالب آزادی

بررسی قرار می‌دهیم. گفتار اول: مجازات‌های جنائی و جنحه‌ای - قانون جدید مجازات‌های زیر را به‌عنوان مجازات جنائی و جنحه‌ای برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده‌است.

۱- جریمه

۲- در صورتی که در قانون پیش‌بینی شده باشد، مجازات‌های مذکور در ماده ۳۹-۱۳۱. لازم به یادآوری است میزان جریمه‌ای که برای اشخاص حقوقی منظور شده پنج برابر جریمه مقرر در مورد اشخاص حقیقی است که در مورد تکرار جرم این مبلغ دوبرابر می‌شود.

قاعده شخصی کردن مجازات‌ها درباره اشخاص حقوقی نیز لازم‌الرعايه است، قاضی باید میزان درآمد شخص حقوقی و هزینه‌های آن را مدنظر قرار دهد و آن‌گاه حکم به پرداخت جریمه صادر کند.

تعلیق مجازات درباره اشخاص حقوقی جایز است، مشروط بر اینکه فاقد سابقه محکومت یا مجازات جرم عادی یا جریمه بیش از ۴۰۰۰۰۰۰ فرانک باشد.

مجازات‌های پیش‌بینی شده در ماده ۳۹-۱۳۱ به شرح زیر است:

۱- انحلال که معادل اعدام برای اشخاص حقیقی است.

۲- ممنوعیت در مورد معین از انجام مستقیم یا غیرمستقیم يك یا چند فعالیت حرفه‌ای اجتماعی، در صورتی که فعالیت منع‌شده زمینه ارتکاب جرم را فراهم کرده باشد.

۳- تحت مراقبت قضائی قرار دادن شخص حقوقی به مدت پنج سال.

باشد، به‌موجب ماده ۴۱-۴۳۴ به‌جای جریمه مذکور يك یا چند مجازات سالب یا محدودکننده حقوق می‌تواند مورد حکم قرار گیرد.

مجازات‌های سالب یا محدودکننده حقوق عبارت است از:

توقیف یا ضبط پروانه رانندگی به مدت حداکثر يك سال، این توقیف ممکن است به‌راندگی در خارج از قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای محدود شود.

توقیف وسیله نقلیه متعلق به محکوم‌علیه به مدت يك تا شش ماه.

ضبط يك یا چند قبضه سلاح متلق به محکوم‌علیه، که مجاز به حمل آنهاست.

ضبط پروانه شکار یا ممنوعیت تجدید یا تقاضای تجدید پروانه شکار در صورت اتمام مدت اعتبار حداکثر به مدت یکسال ممنوعیت صدور چك، مگر چک‌هایی که صادرکننده می‌تواند به‌موجب آن از وجهی که نزد بانک محال علیه دارد برای خود برداشت کند، یا عدم استفاده از کارت پرداخت.

ضبط اشیائی که حین ارتکاب جرم استعمال یا برای ارتکاب جرم اختصاص یافته یا از جرم حاصل شده است، این تصمیم مورد جرائم مطبوعاتی اعمال نمی‌شود.

مبحث دوم: مجازات‌هایی که در مورد اشخاص حقوقی قابل اجراست

همانطوری که در مبحث چهارم یادآور شدیم این موضوع از تحولات و نوآوری‌های قانون جدید است، در این مبحث مجازات‌های جنائی و جنحه‌ای و خلافی را طی دو گفتار مورد

حقوقی مجازات‌های سالب یا محدودکننده حقوقی و احتمالاً مجازات‌های تکمیلی در نظر گرفته شده است. در این زمینه مجازات پیش‌بینی شده، در صورتیکه جریمه باشد، پنج برابر اشخاص حقیقی می‌باشد.

طبق ماده ۴۲-۱۲۱ دادگاه می‌تواند، در امور خلافی هر جا که مجازات عمل جریمه درجه پنجم باشد، به جای آن یکی از دو مجازات سالب یا محدودکننده حقوقی را تعیین کند.

۱- ممنوعیت از صدور چک جز در مورد چک‌هایی که کشنده^(۱) (صادرکننده) آن می‌تواند شخصاً از موجودی خود نزد بانک محال علیه برداشت کند، یا چک‌هایی تضمین شده، ای یا استفاده از کارت پرداخت.

۲- ضبط اشیاء استعمال شده در حین ارتکاب جرم یا اختصاص یافته برای ارتکاب یا حاصل شده از ارتکاب آن.
در واقع این دو مجازات در این مرحله عنوان مجازات جایگزین را دارند.

مبحث سوم: مجازات‌های تکمیلی

همانطوری که قبلاً یادآور شدیم، قانون جدید برای جرائم جنائی و جنحه و خلاف و نیز جرائم مربوط به اشخاص حقوقی، مجازات‌های تکمیلی را پیش‌بینی کرده و در مواقع لزوم به قاضی اختیار تعیین آنها را در کنار مجازات‌های اصلی و در مواردی به جای آنها و به عنوان مجازات جایگزین داده است. در این مبحث به شرح شقوق مختلف آن و ذکر انواع مجازات‌های تکمیلی می‌پردازیم.

۴- تعطیل دائم یا تعطیل موقت مؤسسه به مدت پنج سال یا بستن يك یا چند مؤسسه و منع فعالیت آنان، در صورتی که آن را در ارتکاب اعمال مجرمانه بکار گرفته باشند.

۵- محرومیت قطعی و دائم از انجام معاملات عمومی که طرف قرارداد دولت است، یا موقت به مدت پنج سال.

۶- ممنوعیت در مورد خاص یا به مدت پنج سال از جلب پس‌اندازهای عموم مانند پذیره‌نویسی و فروش سهام.

۷- ممنوعیت از صدور چک ب مدت حداکثر پنج سال مگر در مورد چک‌هایی که کشنده چک می‌تواند از سپرده خود نزد بانک محال علیه شخصاً برداشت کند یا چک‌های تصدیق و تضمین شده یا استفاده از کارت پرداخت.

۸- ضبط اشیائی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته یا حین ارتکاب استعمال شده یا از جرم حاصل شده است.

۹- اعلان تصمیم اتخاذ شده یا انتشار آن در وسائل ارتباط جمعی نوشتاری یا وسائل ارتباط جمعی سمعی و بصری

مجازات‌های شماره ۱ و ۳ درباره اشخاص حقوق عمومی در مواردی که دارای مسئولیت کیفری هستند قابلیت اعمال ندارند همچنین این مجازات‌ها شامل تشکلهای سیاسی با اتحادیه‌های صنفی نمی‌شود.^(۲۹)

گفتار دوم: مجازات‌های خلافی اشخاص

حقوقی

در قلمرو امور خلافی برای اشخاص

مبحث چهارم - مجازات‌های تبعی

همانطوری که می‌دانیم مجازات‌های تبعی علیرغم مجازات‌های تکمیلی در حکم دادگاه قید نمی‌شوند، بلکه همانطوری که از عنوان آنها پیداست به‌خودی خود و به‌تبع مجازات ایجاد می‌شوند درحقیقت از آثار مترتب بر بعضی از مجازات‌ها هستند، قانون جدید مجازات‌های تبعی را حذف کرده ولی در بعضی از مقررات مختلف، خارج از قانون مجازات، بعضی از جرائم دارای آثار تبعی هستند مانند انفصال از شغل یا ممنوعیت از اشتغال در امور حرفه‌ای و تجاری و غیره.

ماده ۱۷-۱۳۲ مقرر می‌دارد هیچ مجازاتی به‌مرحله اجراء گذاشته نمی‌شود مگر اینکه مرجع قضائی آن را صراحتاً مورد حکم قرار داده باشد مراجع قضائی فقط مجازات قانونی جرم را که نزد آنها مطرح است، مورد حکم قرار می‌دهند. (۳۱)

مبحث پنجم - کیفیات مخففه

قانون جدید حداقل مجازات‌ها را حذف کرده، چون تخفیف مجازات برای پائین آوردن مجازات قانونی از حداقل می‌باشد بنابراین عملاً اعمال کیفیات مخففه منتفی شده است. (۳۲)

ماده ۱۸-۱۳۲- دادگاه اجازه داده در مواردی که مجازات عملی حبس جنائی درجه ۱ یا ۲ دائم می‌باشد، مجازات حبس جنائی درجه ۱ یا ۲ موقت یا مجازات حبس جنحه‌ای که کمتر از ۲ سال نباشد تعیین کند، با توجه به اینکه حبس دائم فاقد حداقل و حداکثر است قانونگذار بطو غیرمستقیم برای آن حداقل تعیین کرده است.

در امور جنائی و جنحه‌ای به‌موجب مواد ۱۳۱-۲ و ۱۰-۱۳۱ دادگاهها می‌توانند مجازات‌های تکمیلی‌زیر را درمورد اشخاص حقوقی علاوه بر مجازات اصلی، مورد حکم قرار دهند:

محرومیت از بعضی از حقوق
ممنوعیت از انجام معاملات دولتی
عدم اهلیت استیفای حق
توقیف یا ضبط موقت مال
ضبط دائم و قطعی اموال
تعطیل مؤسسه
اعلان تصمیم اتخاذ شده

انتشار تصمیم گرفته شده در مطبوعات

یا در رسانه‌های سمعی و بصری

در امور جنحه‌ای اعمال مجازات‌های

تکمیلی به‌دو صورت انجام می‌شود در یک مورد دادگاهها می‌توانند مجازات تکمیلی را به مجازات اصلی بیفزایند و یا از مجازات اصلی صرفنظر کنند یا یک یا چند مجازات تکمیلی را به‌عنوان مجازات اصلی تعیین نمایند.

اصولاً هرگاه مجازات حبس و جریمه توأماً پیش‌بینی شده باشد، جریمه مجازات تکمیلی است، برعکس اگر جریمه به‌تنهایی پیش‌بینی شود مجازات اصلی خواهد بود. (۳۰)

در مبحث‌های گذشته دیدیم که در امور خلافی نیز مجازات‌های تکمیلی پیش‌بینی شده بود و قلمرو اجرای آنها اشخاص حقوقی و حقوقی را دربرمی‌گیرد. مراجع قضائی مخیرند آنها را به مجازات‌های خلافی اضافه کنند و یا به‌جای مجازات خلافی درجه پنجم یکی از مجازات‌های تکمیلی را به‌عنوان مجازات اصلی تعیین کند. (۳۱)

می‌ترساند و حامل برای قتل و جرح و تهدید مردم آنها را بکار می‌گیرد، و اعمالی از این قبیل را از کیفیات مشدده جرم داشته است.

نتیجه

در بررسی قانون اصلاحی جدید نتایج زیر بدست می‌آید که آنها را در سه مورد اولاً تحولات ادبی و تخصصی، ثانیاً تحولات مفهومی ثالثاً تحولات بنیادی می‌توان برشمرد.

۱- الف - قانونگذار اصطلاحات و واژه‌هایی را بکار برده که عموماً متأثر از ملاحظات جرم‌شناختی و تحولات فکری و اجتماعی است مانند مسئول نبودن به جای جرم نبودن، خشونت به جای جرم اختلالات روحی و روانی به جای جنون و غیره.

ب - تبدیل قواعد قضائی یا حقوقی به اصول قانونی، مانند تفسیر مضیق قوانین، اصل شخصی بودن مجازاتها و اصل شخصی کردن مجازاتها.

۲- الف - مقدم داشتن منافع عمومی بر منافع خصوصی با وجود ابتناء قانون بر اصول اندیشه‌های اصالت فرد.

ب - بهره‌گیری از اندیشه‌های جرم‌شناختی بخصوص مکتب نئوکلاسیک و نهضت دفاع اجتماعی.

ج - استفاده از رویه‌های قضائی و قوت قانونی بخشیدن به آنها.

۳- الف - پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

ب - اجتناب از اجراء یا اعمال و در بسیاری از موارد تعیین مجازاتهای سالب

بند ۲ ماده مذکور در موردی که مجازات قانونی عملی حبس جنائی موقت درجه ۱ یا ۲ باشد، به دادگاه اختیار تعیین مجازات کمتری را داده و دادگاه در این مورد می‌تواند حبس جنحه‌ای که کمتر از يك سال نباشد تعیین کند.

با اینکه در این موارد دادگاه مجازاتهای جنائی و جنحه‌ای را که فاقد حداقل می‌باشند عملاً تخفیف می‌دهد ولی مقنن از استعمال اصطلاح تخفیف مجازات یایی پائین آوردن مجازات به شدت خودداری کرد. اصطلاحاتی از قبیل «مجازات کمتر» یا «مجازات حبس دیگری که از يك یا دو سال کمتر نباشد» را به کار برده، علت آنست که تخفیف پائین آوردن مجازات از حداقل است اینجا حداقل مجازات وجود ندارد تا تخفیف داده شود. (۲۴)

مبحث ششم: کیفیات مشدده

فصل مفهوم بخش دوم از عنوان سوم قانون مجازات جدید به تعریف پاره‌ای از اوضاع و احوالی که موجب تشدید مجازات می‌شود، اختصاص یافته است. مواد ۷۱-۱۳۲ تا ۷۵-۱۳۲ مواردی از قبل دسته‌جات یا گروههای تبه‌کار سازمان‌یافته یا تبانی برای تهیه مقدمات عملی جرائم یا طرح و نقشه ارتکاب جرائم جنحه‌ای و جنائی یا شکستن قفل و تخریب درهای بسته یا باز کردن آنها با وسایل متقلبانه، بالارفتن از دیوار یا ورود به محل‌های بسته و مقفول، از طرق غیرمعمول، بکار بردن ابزاری که برای مردم ایجاد خطر می‌کند، در حکم اسلحه تلقی شده و با بکار بردن آلات و ابزاری که همانند اسلحه مردم را

هـ - حذف مجازات حبس در امور خلافی.

و - از بین بردن تفاوت و دوگانگی میان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و وحدت بخشیدن به آنها به عنوان کلی مجازات.

ز - اختصاص يك عنوان به جرائم علیه بشریت و تبعیض که سابقاً در قوانین متفرقه پیش‌بینی نشده بود.

و بالاخره توجه به ملاحظات حقوق بشر.

آزادی توسط قضات، بخصوص در امور جنجالی و تنوع بخشیدن به مجازات‌ها و گسترش جایگزین‌های مجازات و مجازات‌های جایگزین بخصوص مجازات‌های سالب و محدودکننده حقوق.

ج - گسترش اختیارات قضات به‌ویژه در امر تفسیر قوانین اداری و اعمال اصل شخصی کردن مجازات

د - حذف حداقل مجازات‌ها و به‌تبع آن

کیفیات مخففه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

general et procedure penal, cour elementaire, chapitre 1, 11 edition, sirey 1994.

4. Jean laurguir, le droit penal general 2 edition, Que saige? causage, 1995.

5. patrice cattengo, droit penal special, Dalloz. 1995. cour Dalloz, serie droit prive.
rev.

Les Reviews

مجلات

1. christien lazerge, la partie general du nouveau codepenal Francais. Rev. Archive de politeque criminelle mais 1993. n, 13.

2. Francois tulken, lemouvement de reforme des codes et le nouveau code penal francais, Rev. Archive de politique Criminelle.N 17. 19958

3. Rev. descience criminelles er de droit compare, extrait du N3 1993 (Nouveau code penal)

4. Rev des societes extrait du N2 1993 la respon sabilite penal des personnes morales.

Les codes

1. code penal 1977 - 1978 dalloz.
2. code penal 1994 (Nouveau code penal) Dalloz.

منابع به زبان فارسی

۱- مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، دانشگاه تهران.

۲- ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی.

۳- دکتر هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، مجموعه دو جلدی، چاپ پازنگ، ۱۳۷۱.

۴- دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق شهید بهشتی سال تحصیلی ۷۲-۷۴.

۵- دکتر رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، کانون وکلای دادگستری.

۶- دکتر مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای

عمومی، چاپ گنج دانش، ۱۳۷۵.
۷- دکتر محمد صالح ولیدی، حقوق جزای اختصاصی جلد سوم، انتشارات غروب ۱۳۷۱.

به زبان فرانسه

Les livres: B.Bouloé general

1. G.stafeni, G - levasseur et Bouloc, le droit penal genral, Dalloz, 15 edilion 1995.

2. jean pradel, droit penal general ; edition causage 1994.

3. G eorge levasseu Al bert chavanne, jean montruil, droit penal

دادگستری، مقاله نگارنده امر آمر قانونی در حقوق جزای ایران، فرانسه - کار تحقیقی درس حقوق جزای عمومی - در دست چاپ، در مجله دادرسی.

ج - ژان لاریه، حقوق جزای عمومی (چه می‌دانم) کوژا ۱۹۹۵ به زبان فرانسه.

۱۷- ژال پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی.

۱۸- ایضاً همان اثر و مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر نجفی ابرندآبادی چاپ دوم دانشگاه تهران.

۱۹- رضا فرج‌اللهی، دفاع مشروع در حقوق جزای ایران و فرانسه پیش شماره مجله دادرسی شهریور ماه ۱۳۷۵.

۲۰- لواسور، استافنی بلوک مختصر حقوق جزای عمومی، دالوز، چاپ پانزدهم ۱۹۹۵ و ژان لاریه اثر مذکور در فوق.

۲۱- کریستین لازرژ، بخش عمومی قانون مجازات جدید فرانسه، مجله آرشیو سیاست جنائی دالوز، مه ۱۹۹۲.

۲۲- لواسور، استافنی، بلوک اثر پیشین.

۲۳- اثر پیشین.

۲۴- اثر پیشین.

۲۵- قانون مجازات اسلامی ماده ۱۲ - مجموعه قوانین کیفری، جتی اشرفی.

۲۶- لواسور، استافنی بلوک، اثر پیشین.

۲۷ تا ۳۱- اثر پیشین.

۳۲- کریستین لازرژ بخش عمومی قانون مجازات عمومی جدید، مجله آرشیو سیاست جنائی دالوز، مه ۱۹۹۲.

۳۳- اثر پیشین.

۳۴- اثر پیشین.

پاورقی

۱ و ۲- کریستین لازرژ، بخش عمومی قانون مجازات جدید فرانسه، مجله آرشیو سیاست جنائی مه ۱۹۹۲ چاپ دالوز، به زبان فرانسه.

۳ و ۴- پیر لاسکوم پیرپانولا، پیرلثول (به نام نظم عمومی در تاریخ سیاسی قانون مجازات) به نقل از اثر مذکور.

۵ و ۶- اثر پیشین.

۷ و ۸- اثر پیشین.

۹- اثر پیشین.

۱۰- فرانسوا تولکن، نهضت قانونگزاری جدید، مجله آرشیو سیاست جنائی شماره ۱۷ به زبان فرانسه.

۱۱- لواسور، استافنی بلوک، مختصر حقوق جزای عمومی دالوز ۱۹۹۵ به زبان فرانسه.

۱۲- بیکار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی شماره فوق العاده مجله شرکتها ص ۲۶۱.

۱۳- لواسور، استافنی، بلوک، اثر پیشین.

۱۴- گزارش نماینده دولت به مجلس ملی و مذاکرات مجلس ملی و سنای فرانسه.

۱۵- رژه کوتورتیه، مسئولیت اشخاص حقوقی، مجله شرکتها، شماره فوق العاده.

۱۶- در مورد کیفیت اجراء دستور صادر شده و تکلیف مأمور در قبال آن سه نظریه ابراز شده است ۱ نظریه اطاعت کورکورانه نظریه اطاعت آگاهانه و نظریه بینابین در این مورد رجوع کنید به

الف - دکتر هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم چاپ پازنگ ب - دکتر رضا نوریها - زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ کانون وکلای